

This room **smells**. Let's open the window.

این اتاق بو میده. بیا پنجره رو باز کنیم.



نکته ۱۰:

He is selfish.

یعنی طرف خودخواه، شخصیتش اینجوریه، ذاتش، صفتشه!

He is being selfish.

یعنی داره خودخواهی میکنه، ذاتا اینجوری نیست، توی اون لحظه داره این رفتارو نشون میده.

He is being = he is behaving /he is acting

خب پس دوتا حالت شد، یه زمانی هست که اون صفتی که درباره ش صحبت میکنیم ویژگی ذاتی طرفه، همیشه اینجوریه.

تو این حالت خیلی راحت بعد از فعل **to be** میاریمش!

یه زمانی هست که طرف توی اون لحظه داره اون ویژگی رو از خودش نشون میده. مثلاً توی اون لحظه داره خسیس بازی درمیاره، ولی آدم خسیسی نیست. تو این حالت از **being** استفاده میکنیم.

Akbar is being stingy.

اکبر داره خسیس بازی درمیاره.



نکته ۱۱:

I was doing something.

یعنی من وسط انجام کاری بودم، در یه زمااااان مشخص، در گذشته!

یعنی اون عملی که من دارم با این ساختار میگم، قبل از یه زمان مشخص، شروع شده بوده و هنوزم تموم نشده بوده!

This time last year I was living in Brazil.

What were you doing at 10 o'clock last night?

داره میپرسه دیشب ساعت ۱۰ (زمان مشخصه) داشتی چیکار میکردی ؟!

نکته ۱۲:

ما معمولاً از گذشته ساده و گذشته استمراری با هم استفاده میکنیم، چرا؟!
برای اینکه بگیم یه چیزی اتفاق افتاده در حیییین یه چیز دیگه!
یعنی چی؟!

Akbar phoned while we **were having** dinner.

وقتی داشتیم شام میخوردیم، اکبر زنگ زد. در حین شام خوردن بودیم که چی شد؟! اکبر زنگ زد!

اصلًاً اینجور وقتاً يه عمل درازه! از داریم يه عمل کوچولو! اون عمل درازه رو با گذشته استمراری میگیم اون عمل کوچولو رو با گذشته ساده! در ضمن اغلب اون عمل کوچولو عه اون عمل درازه رو متوقف میکنه! (فلفل نبین چه ریزه) الان گفت داشتیم شام میخوردیم (عمل طولانی) که اکبر زنگ زد (عمل کوتاه) که درازه رو قطعش کرد

حالاً مثلاً میخوایم بگیم وقتی بیدار شدم باروون میبارید.
خوب، سه دلیل حسین، یا بدن، یا ایمنی؛ بوده که من بیدار شدم دیگه!

It was raining when I got up.

لہ مٹا دیگہ:

I was reading when my phone rang.

داشتم کتاب میخوندم که تلفنم زنگ زد.

نکته ۱۳:

حالا اگه بخوایم بگیم یه چیزی توی گذشته بعد از یه چیز دیگه اتفاق افتاده، خیلی راحت از گذشته ساده استفاده میکنیم و اونارو پشت هم میگیم:
I saw Ali, then I stopped, and we had a chat.

علی رو دیدم بعدش وايسادم و حرف زديم.

فرقش با نکته بالا اينه که دیگه اينجا هيچ عملی، عمل دیگه اى رو متوقف نمیكنه!

نکته ۱۴:

دوتا نکته درباره حال کامل بدونين:
 يك: وقتی میگیم **something has happened**، معمولاً اين جمله شامل اطلاعات جدیده!

معنيش ميشه یه اتفاقی افتاد، داره یه چیز جديد رو ميگه که شنونده ازش بى خبره.

يعنى چي ؟!

I've cut my finger.

انگشتمو بریدم (یه اطلاعات جدیده، تازه اتفاق افتاده)

I've lost my keys.

کليدامو گم کردم (اطلاعات جدیده)

دو: هنگامی که ما از حال کامل استفاده میکنیم، جمله مون یه ارتباطی با الاااان داره!

در حقیقت اون فعالیت در گذشته اتفاق افتاده، اماااا، الان داریم نتیجه شو

میبینیم!

طرف میپرسه:

" Is Akbar here? "

اکبر اینجاست؟

" No, he's **gone** out. "

یعنی اوں رفته. پس در حقیقت الآن اینجا نیست دیگه!

نکته: ۱۵

ما از این سه کلمه میتوانیم توی حال کامل استفاده کنیم:

just, already, yet

حالا **just** یعنی چی؟! یعنی چند لحظه پیش، مدتی قبل و البته کوتاه!

I've **just** had lunch.

تازه ناهار خوردم.

Have you **just** arrived?

تازه رسیدی؟!

حالا وقتی یه چیزی زودتر از حد انتظار ما اتفاق میوفته، از **already** استفاده

میکنیم.

Akbar: Don't forget to pay your phone bill.

Mehran: I've **already** paid it.

اکبر میگه فراموش نکنی قبض تلفن تو بدی.

مهران جواب میده قبل پرداختش کردم. (قبل اینکه تو انتظار شو داشته باشی)

و **yet** هم به معنی تا الان یا هنوز هستش.

در حقیقت نشون میده که گوینده انتظار داره یه چیزی اتفاق بیوفته!

و یادتون نره فقط توی سؤال و جملات منفی ازش استفاده میکنیم.

Has it stopped raining yet?

هنوز بارون بند نیومده؟!

I've written the email but I have not sent it yet.

من ایمیل رو نوشتیم ولی هنوز ارسالش نکردم.

نکته ۱۶:

هنگامی که بازه‌ی زمانیه موضوع یا اتفاقی که داریم درباره ش حرف میزنیم، توى همون لحظه صحبت کردنه و هنرووز تموم نشده، باید از حال کامل استفاده کنیم:

یه سری قید های زمانی مثل **today / this evening / this year** نشونه های خوبی، هستن پرای این موضوع!

I've drunk four cups of coffee today.

درباره ی چه عملی داره صحبت میشه؟! نوشیدن قهوه!
باشه ی زمانی هنوز تموم نشده، یعنی هنوز امروز ادامه داره و طرف داره میگه تا
حالا ۴ تا فنجون، قهوه خودم. خدا میدونه چندتا دیگه بخوره!

I haven't seen Sekineh **this morning**.

درباره ی چه عملی داره صحبت میکنه ؟ دیدن سکینه !
آیا بازه ی زمانی تموم شده ؟! نه همه همه، داره میگه من امروز صبح سکینه رو
ندیدم، ولی، خب روز هنوز ادامه داره، و ممکنه سکینه، و سینه !

Ali hasn't worked very hard **this term**.

ترم هنوز تموم نشده که، علی هم این ترم درست درس نخوند، ترم هم ادامه داره و ممکنه پازم نخونه!

نکته ۱۷:

یه الگوی کاربردی داریم توی حال کامل:

It's the (first / second / third / forth / ...) time something has happened

مثال:

It's the first time he **has driven** a car.

دفعه ی اولیه که ماشین میرونه.

This is the second time this **has happened**.

دفعه ی دومیه که این اتفاق میوفته.

Akbar is phoning his girlfriend again. This is the third time he **has phoned** her this evening.

اکبر داره دوباره به دوست دخترش زنگ میزنه. این دفعه سومه امروز عصر که باهاش تماس گرفته.

نکته ۱۸:

Present Perfect Continuous

دقت کنین، ما از حال کامل استمراری برای فعالیت هایی که اخیراً یا به تازگی متوقف شدن استفاده میکنیم، که حتماً! ایه ارتباطی با الان دارن!

You're out of breath. **Have you been running?**

میگه تو الان از نفس افتادی. داشتی می دویدی؟!

Ali is very tired. He's **been working** very hard.

علی الان خسته اس. سخت داشته کار میکرده.

یعنی شما داشتی یه کاری میکردی که الان نتیجه شو داریم میبینیم.

یا داشته یه اتفاقی میوقفتاده که الان داریم نتیجه شو میبینیم.

نکته: ۱۹

میدونین تفاوت حال کامل با حال استمراری چیه؟!
 یک: توی حال کامل استمراری ما به خوود فعالیت فکر میکنیم. اصلاً مهم نیست که تموم شده باشه یا نه!
 اما! توی حال کامل، نتیجه مهمه. یعنی یه چیزی تموم شده و ما به نتیجهش علاقهمندیم نه خوود فعالیت!

My hands are very dirty. I've been repairing my bike.

دستام خیلی کشیفه. داشتم دوچرخه مو تعمیر میکردم. (درست شد یا نشد، نمیدونم ...)

My bike is OK again now. I've repaired it.

دوچرخه ام الان اوکیه، تعمیرش کردم. (نتیجه مهمه که درست و اوکی شده)
 دو: ما از حال کامل استمراری برای گفتن مدت زمانی که یه چیزی هنوز داره اتفاق میوفته استفاده میکنیم:

How long have you been reading that book?

چقدر رر وقته داری اون کتابو میخونی؟ (مدت زمان)
 ولی از حال کامل برای پرسیدن چه مقداری، چه تعدادی، یا چند بار استفاده میکنیم:

How much of that book have you read?

چقدر از اون کتابو خوندی؟

نکته: ۲۰

برای صحبت کردن درباره ی چیزی که در گذشته شروع شده و هنوز ادامه داره از حال کامل استفاده میکنیم:

Ali has been in hospital since Monday.